

بنام خداوندی که عشق را آفرید

کلبه کوچک من



مهدی پورامینی

(حمید)



انتشارات صباي الوند

تهران ۱۴۰۳

سرشناسه : پورامینایی، مهدی، ۱۳۴۷-۱۳۰۷
 عنوان و نام پدیدآور : کلبه کوچک من/مهدی پورامینایی (حمید)؛ ویراستار مهدیه پورامینایی
 مشخصات نشر : تهران: صباي الوند، ۱۴۰۳
 مشخصات ظاهري : ۱۷۰ص
 شابک : 978-622-4882-10-3
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 موضوع : قطعه‌های ادبی فارسی - قرن ۱۴-۱۵- شعر فارسی - قرن ۱۴-۱۵
 شناسه افزوده : پورامینایی، مهدیه، ۱۳۶۰-، ویراستار
 رده بندی کنگره : PIR۳۳۶
 رده بندی دیویی : ۸۸۵/۲۶۸
 شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۲۳۹۴۰



اشارات صباي الوند

- م. کتب : کلبه کوچک من
 - ناشر : صباي الوند
 - نویسنده : مهدی پورامینایی
 - ویراستار : مهدیه پورامینایی
 - امور فنی : رامین موسوی
 - صفحه‌آرا : پروانه نصراللهی
 - چاپ اول : ۱۴۰۳
 - شمارگان : ۲۰۰ نسخه
 - چاپ : پیشگامان
 - بها : ۱۵۰ هزار تومان
 - شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۴۸۸۲-۱۰-۳
- ISN: 978-622-4882-10-3

همه حقوق چاپ و نشر این اثر برای نشر صباي الوند محفوظ است.
 تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر روش بدون
 مجوز کتبی از ناشر ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد.

نشر صباي الوند: تهران، شریعتی، خیابان سمیه، کوچه طباطبایی مقدم بن بست چهار پلاک ۶

تلفن: ۷۷۶۵۴۵۲۱

پست الکترونیکی:

Saayealvand@yahoo.com

Saaoook1400@gmail.com

فهرست

۲۹.....	همین دنیا	۹.....	مقدمه
۳۰.....	گذر عمر	۱۱.....	به نام یکتای بی‌همتا
۳۱.....	امید	۱۱.....	فرزندم
۳۲.....	آرزوهای جوانی	۱۲.....	تقدیر
۳۴.....	غاور	۱۴.....	عشق
۳۵.....	سگ	۱۵.....	کوهستان
۳۶.....	حرکت	۱۶.....	زندگی
۳۷.....	هدیه بدختم	۱۷.....	طبیعت
۳۸.....	کتاب	۱۸.....	دنیای فانی
۳۹.....	پدر	۱۹.....	لانه
۴۰.....	تو	۲۰.....	تفسیر
۴۱.....	دنیا	۲۱.....	اندیشیدن
۴۲.....	شب	۲۲.....	شادی
۴۳.....	رفتن	۲۳.....	برادر
۴۵.....	دعای خیر	۲۴.....	امید
۴۶.....	زاغ	۲۵.....	خواهم عوض کنم
۴۸.....	به خود می‌اندیشم	۲۶.....	آهنگ زندگی
۵۰.....	افسوس که دیر می‌فهمم	۲۷.....	فردا دیر است
۵۱.....	هدیه	۲۸.....	نام نیک

۸۲.....	روزهای عمر	۵۲.....	شعرم دوستم
۸۳.....	گله	۵۳.....	تنهائی
۸۴.....	قطار زمان	۵۴.....	همسرم
۸۵.....	پرندگان از روی شاخه	۵۵.....	بهشت
۸۶.....	گفت و گو	۵۶.....	مادر
۸۷.....	رودها چون می گذرند	۵۷.....	کلبه
۸۸.....	زندگی را نمی توان	۵۸.....	درخت
۸۹.....	نرسیدن	۵۹.....	مرا در یابید
۹۰.....	ستاره چشمانت	۶۰.....	ترانه بهار
۹۱.....	طوفان	۶۱.....	عشق پنهان
۹۲.....	جایی روشن	۶۲.....	نقشه شعر
۹۳.....	کلبه من	۶۳.....	روزگار مردم در دست
۹۴.....	باران	۶۴.....	در امتداد سبزه
۹۵.....	سفر پرستوها	۶۵.....	نگاهت
۹۶.....	تکرار لحظه ها	۶۶.....	آلونک
۹۷.....	مسیر	۶۷.....	گرمای تابستان
۹۸.....	ردپایی بود	۶۸.....	گفت و گوی باد و باران
۹۹.....	دوری و دوستی	۶۹.....	نگاهت
۱۰۰.....	زندگی	۷۰.....	حماقت
۱۰۱.....	بیتی که دستم یاری ام	۷۱.....	می ناب
۱۰۲.....	مشق عشق	۷۲.....	خنده و احساس
۱۰۳.....	گذر عمر	۷۳.....	زندگی زیباست
۱۰۴.....	با عشق می توان پرواز کرد	۷۴.....	مرگ
۱۰۵.....	نگاه	۷۵.....	جنبش دریا
۱۰۶.....	اوج	۷۶.....	نور مهتاب
۱۰۷.....	تقلید	۷۷.....	راز طبیعت
۱۰۸.....	نمی دانم چرا؟	۷۸.....	دارکوب در قفس
۱۰۹.....	فردا که می رسد	۷۹.....	چور زمان
۱۱۰.....	مچاله شدن	۸۰.....	می توان در قفس
۱۱۲.....	وای بر من	۸۱.....	سرنوشت

۱۴۱.....	تولد	۱۱۴.....	کم شده
۱۴۲.....	در آرزوی دیدنت	۱۱۵.....	چراگاه
۱۴۳.....	غنچه‌ها در گلستان	۱۱۶.....	تنها
۱۴۴.....	خبر آمدن چلچله‌ها	۱۱۷.....	دوست داشتن
۱۴۵.....	قالب	۱۱۸.....	امید به آینده
۱۴۶.....	خیلی پتال است حالم	۱۱۹.....	پرواز پروانه
۱۴۷.....	سراب	۱۲۰.....	دل سپرده
۱۴۸.....	جی پی اس	۱۲۱.....	در زیر نور ماه
۱۴۹.....	مورچه‌ها متحد شدند	۱۲۳.....	پرواز
۱۵۰.....	شهر من کجاست	۱۲۴.....	شکستن آینه ها
۱۵۱.....	هوا سرد است	۱۲۵.....	فجر صادق
۱۵۲.....	هرکس کتابی دارد	۱۲۶.....	پیروزی
۱۵۴.....	وقتی آب	۱۲۷.....	زندگی دوباره گنج شک
۱۵۵.....	قلب کوچکم	۱۲۸.....	حقیقت روشنایی
۱۵۶.....	در کنار جویباران	۱۲۹.....	فردا
۱۵۷.....	شب	۱۳۰.....	آرزوهای جوانی
۱۵۸.....	ها	۱۳۱.....	شناخت خدا
۱۵۹.....	مچاله	۱۳۳.....	بی نام، نه به نام او
۱۶۰.....	غایت	۱۳۵.....	شب‌نمی در صبح
۱۶۱.....	حسادت	۱۳۶.....	در باغچه‌ای که بر خود
۱۶۲.....	نمی‌دانم چرا : ایا تو	۱۳۷.....	همه لحظه‌هایم
۱۶۳.....	در پس برف	۱۳۸.....	چشمه چشمم
۱۶۵.....	زندگی	۱۳۹.....	دل‌م در هوای دیدنت
		۱۴۰.....	چرا فریاد

♥ مقدمه

کجاست هم‌نفسی تا به شرح عرضه دهم
که دل چه می‌کشد از روزگار هجرانش

مهربان بود، با تمام تلخ‌کامی‌ها و نامهربانی‌هایی که از اوان کودکی تا همین اواخر زندگی دید. مهربانی می‌کرد با همه، کوچک و بزرگ
برایش یکسان بود، لب‌خندش همیشگی بود، جاودانه بود.
همچون مجسمه‌ای با لبخندی که بر روی صورتش حکاکی کرده باشند
همچون مونا لیزا.

هیچ‌کس اخمش را ندید، هیچ‌کس تش‌رویی‌اش را ندید حتی در
دشوارترین لحظه‌های حیاتش؛ لب‌خندش همچون مهربانی‌اش جاودانه و
بی‌دریغ بود. دقیقاً مصداق این شعر پروین اعتصامی:

گر چه جز تلخی از ایام ندید

هر چه خواهی سخنش شیرین است

گویی می‌دانست که فرصتش اندک است، بقا را در حیاتش نمی‌دید. به
عینه رباعیات خیام را زندگی می‌کرد، و چه نیک دریافت بود ناپایداری
این جهان خاکی را؛ که مدام می‌نوشت هر آنچه را که در افکارش
می‌گذشت، و چه زیبا می‌نوشت همان‌طور که زیبا می‌اندیشید. گفتار و
رفتارش هر دو زیبا بود و نوشته‌هایش همچون قلبش ساده و بی‌ریا.

شعرهایش را زندگی می‌کرد، خودش و نوشته‌هایش آینه تمام‌نمای
افکارش بودند. هیچ‌گاه ندیدم نوشته‌هایش را تصحیح و یا بازنویسی

کند؛ قلم که بر کاغذ سفید می گذاشت هر چه را که می نگاشت، جامع، کامل و مرتب بود، تمامی در ذهنش شکل می گرفت و کامل بر نوک قلمش جاری می شد. با تمام ناملایماتی که در زندگی و عمر کوتاهش دید، امیدوار بودن را همچون صفتی مخصوص خودش حفظ کرده بود. امیدواری و صبوری را در تمام مراحل زندگانی اش همراه داشت.

شعرهای مهدی (حمید) زلاند، همچون چشمه سارهای کوهستان های خوش «پاریز»، و درخشانند درست مثل سوسوی ستارگان در شب های آرام روستای زادگاهش «گستویه».

هر قاعه از شعرش بیانگر نگاهش به جهان هستی است با ساده ترین واژه ها مظهرهای عمیق جهان بینی و فلسفی را بیان می کند و همین سادگی در نوشتن دریایی از مفاهیم ارزنده را در پیش چشم خواننده به نمایش می گذارد، آموزگاری که درس محبت عشق، و زندگی می دهد. دفترهای زیادی از شعرها و نوشته هایش به جا مانده که برگردان آنها زمان زیادی می طلبد، اثری باقی بود در آینده ای نزدیک به دست چاپ می سپاریم. دفتر پیش رو که تعداد کمی از شعرها و سروده های او می باشد؛ به همت همسر گرامی و دختر دلبندش تنظیم گردیده است، امید است که با این کار روح بلند مرید ششش و در آرامش باشد و این مختصر، مورد پسند خوانندگان گرامی قرار بگیرد.

تو نیستی و چه گل ها که با بهاراند ترانه خوان تو من نیستم هزاراند
نثار راه تو یک آسمان شقایق سرخ که شعله های شب افروز شب کناراند

من الله توفیق
منصور پورامینایی

♥ به نام یکتای بی‌همتا

دفتر مشقم را در تاریخ ۱۳۹۷/۳/۱۰ در باغ منصور اخوی شروع می‌کنم.
امید است بتوانم سیاه‌مشقی بنویسم که راه را برای خوانندگان خودم هموار کند.

ای که با نامت جهان آغاز شد دفتر من هم به نامت باز شد

برای اینکه آینده بهتر بنیان‌نهد باید به خود جرئت داد و نوشت هرچه
در ذهن می‌گذرد روی کاغذ آمد. شاید روزی به کار آید و گره‌گشا باشد.

بهای پورامینایی (حمید)

دهم خردادماه نود و هفت ، ساعت ۱/۵ بعدازظهر